درآمدهای نفتی باید به دارایی‌های مولد تبدیل شوند

در همایش «ایران پشت دروازه آینده» عضو اتاق بازرگانی تهران با اشاره به شتاب تحولات فناوری، هوش مصنوعی و تغییرات بازار جهانی انرژی، بر ضرورت بازنگری در ساختار اقتصادی کشور، اصلاح سیاست‌های صنعتی و آماده‌سازی نیروی انسانی برای مواجهه با آینده تأکید کردند. محور اصلی سخنان آنها، تبدیل فرصت‌های محدود منابع طبیعی به دارایی‌های مولد و سازگاری بنگاه‌های اقتصادی با تحولات فناورانه بود.

علیرضا کلاهی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران، با هشدار نسبت به محدود بودن فرصت بهره‌برداری اقتصادی ایران از منابع نفت و گاز تا حدود سال ۲۰۴۰، تأکید کرد درآمدهای حاصل از این منابع باید به جای هزینه کردهای غیرمولد، صرف ایجاد دارایی‌های مولد و تقویت ظرفیت اقتصادی کشور شود.

وی با اشاره به سرعت تحولات فناوری در جهان گفت: فناوری‌های جدید می‌توانند ساختار صنایع و اقتصاد جهانی را به‌طور اساسی تغییر بدهند. به گفته او، توسعه خودروهای برقی یکی از نمونه‌های مهم این تحولات است؛ چراکه این خودروها در مقایسه با خودروهای دارای موتور احتراق داخلی قطعات بسیار کمتری دارند و همین مساله زنجیره تأمین و جایگاه قطعه‌سازان سنتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلاهی با اشاره به اینکه باتری سهم قابل توجهی از ارزش خودروی برقی را تشکیل می‌دهد، مشارکت راهبردی با شرکت‌های چینی و ورود به زنجیره تأمین باتری را یکی از فرصت‌های پیش روی ایران دانست. وی همچنین با اشاره به ورود ۵۳۵ مدل جدید خودرو به بازار چین در شش ماهه نخست سال، این تحول را نشانه شتاب رقابت صنعتی در جهان عنوان کرد؛ در حالی که در الگوی سنتی خودروسازی اروپا، توسعه یک پلتفرم جدید ممکن بود تا ۸ سال زمان ببرد.

عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره به اشتغال صدها هزار نفر در صنعت خودرو و قطعه‌سازی ایران، خواستار بازنگری در سیاست‌های حمایتی این صنعت شد و گفت باید مشخص شود حمایت از خودروسازی از طریق تعرفه ۱۰۰ درصدی و ممنوعیت واردات تا چه زمانی امکان‌پذیر است و برای پیامدهای احتمالی تغییرات صنعتی و اشتغال نیروی کار چه برنامه‌ای وجود دارد. وی همچنین بر ضرورت سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید تولید، از جمله ریخته‌گری یکپارچه قطعات و توسعه زنجیره تأمین باتری تأکید کرد.

کلاهی با اشاره به تحولات بازار جهانی انرژی اظهار کرد: کاهش هزینه تولید انرژی خورشیدی، توسعه خودروهای برقی و پیشرفت فناوری ذخیره‌سازی انرژی می‌تواند چشم‌انداز تقاضای نفت را تغییر بدهد. حتی در صورت محقق نشدن سناریوی انتشار خالص صفر، کاهش قیمت واقعی نفت می‌تواند قدرت خرید اقتصادهای متکی به درآمدهای نفتی را تحت تأثیر قرار دهد. وی با اشاره به توسعه باتری‌های سدیمی و ظرفیت آنها برای کاهش هزینه ذخیره‌سازی انرژی تصریح کرد: ایران باید از فرصت باقی‌مانده برای تبدیل منابع هیدروکربوری به دارایی‌های مولد استفاده کند و اتاق بازرگانی نیز با بهره‌گیری از متخصصان و مشاوران بین‌المللی، در تدوین راهبردهای آینده صنعت و انرژی نقش فعال‌تری داشته باشد.

هوش مصنوعی مشاغل را تغییر می‌دهد

فرزین فردیس، عضو هیات رییسه اتاق بازرگانی تهران، با اشاره به شتاب تحولات هوش مصنوعی گفت: بخش قابل توجهی از فعالیت‌هایی که امروز توسط نیروی انسانی انجام می‌شود، در آینده نزدیک با هزینه کمتر، کیفیت بالاتر و سرعت بیشتر در اختیار ماشین‌ها قرار خواهد گرفت.

وی در همایش «ایران پشت دروازه آینده» با بیان اینکه داده به یکی از مهم‌ترین عوامل ارزش‌آفرینی در اقتصاد جهانی تبدیل شده است، تأکید کرد ورود فناوری‌های جدید لزوما به حذف کامل مشاغل منجر نمی‌شود، بلکه ماهیت فعالیت‌ها و ترکیب نیروی کار را تغییر می‌دهد. به همین دلیل، آمادگی نیروی انسانی برای یادگیری مهارت‌های جدید اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

فردیس توانایی درک شرایط و زمینه مسائل، هوش هیجانی، همدلی، برقراری ارتباط انسانی و خلاقیت را از مهم‌ترین مزیت‌های انسان در برابر ماشین‌ها دانست و گفت: اگرچه هوش مصنوعی در ارائه پاسخ عملکرد قابل توجهی دارد، توانایی طرح پرسش‌های خلاقانه و قضاوت در شرایط پیچیده همچنان از ظرفیت‌های مهم انسانی است.

عضو هیات رییسه اتاق تهران با خطاب قرار دادن مدیران شرکت‌ها، سه تغییر اساسی را برای سازگاری سازمان‌ها با عصر هوش مصنوعی ضروری دانست.

به گفته وی، نخستین ضرورت، جایگزینی نگاه مبتنی بر مهارت‌های ثابت با فرهنگ یادگیری مستمر است؛ زیرا سازمان‌های آینده به نیروهایی نیاز دارند که یادگیری را بخشی از فعالیت حرفه‌ای خود بدانند.

دومین تغییر، حرکت به سمت تشکیل تیم‌های ترکیبی از نیروی انسانی و عامل‌های هوش مصنوعی (AIAgents) است. در چنین ساختاری ممکن است یک یا دو نفر در کنار چند عامل هوشمند، مسوولیت پیشبرد یک فعالیت را بر عهده بگیرند. بنابراین، مدیران باید توانایی ترکیب ظرفیت‌های انسانی و ابزارهای هوشمند را در ساختار سازمانی تقویت کنند.

فردیس سومین ضرورت را فاصله گرفتن از تمرکز صرف بر انجام صحیح وظایف و حرکت به سمت تقویت قدرت قضاوت و تصمیم‌گیری کارکنان عنوان کرد. وی معتقد است سازمان‌های آینده بیش از گذشته به افرادی نیاز دارند که بتوانند تصمیم‌های درست بگیرند و در سیاستگذاری‌های سازمانی نقش موثری داشته باشند.

وی در پایان با تأکید بر ضرورت پذیرش مسوولیت در مواجهه با تحولات فناوری گفت: به جای ترس از هوش مصنوعی یا تسلیم شدن در برابر تغییرات آن، باید برای شناخت مسوولیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در دوره جدید تلاش کرد.

مجموع سخنان مطرح‌شده در این همایش نشان می‌دهد که آینده اقتصاد ایران به میزان آمادگی آن برای مواجهه با دو تحول بزرگ وابسته است: تغییر الگوی تولید و مصرف انرژی و گسترش فناوری‌های هوشمند. تبدیل درآمدهای نفتی به سرمایه‌های مولد، اصلاح ساختار صنایع و سرمایه‌گذاری بر مهارت نیروی انسانی می‌تواند زمینه سازگاری اقتصاد کشور با این تحولات را فراهم کند.

بازگشت ارز راهی برای مهار نوسانات ارزی و تامین کالاهای اساسی

گره ارزی اقتصاد در دست صادرکنندگان

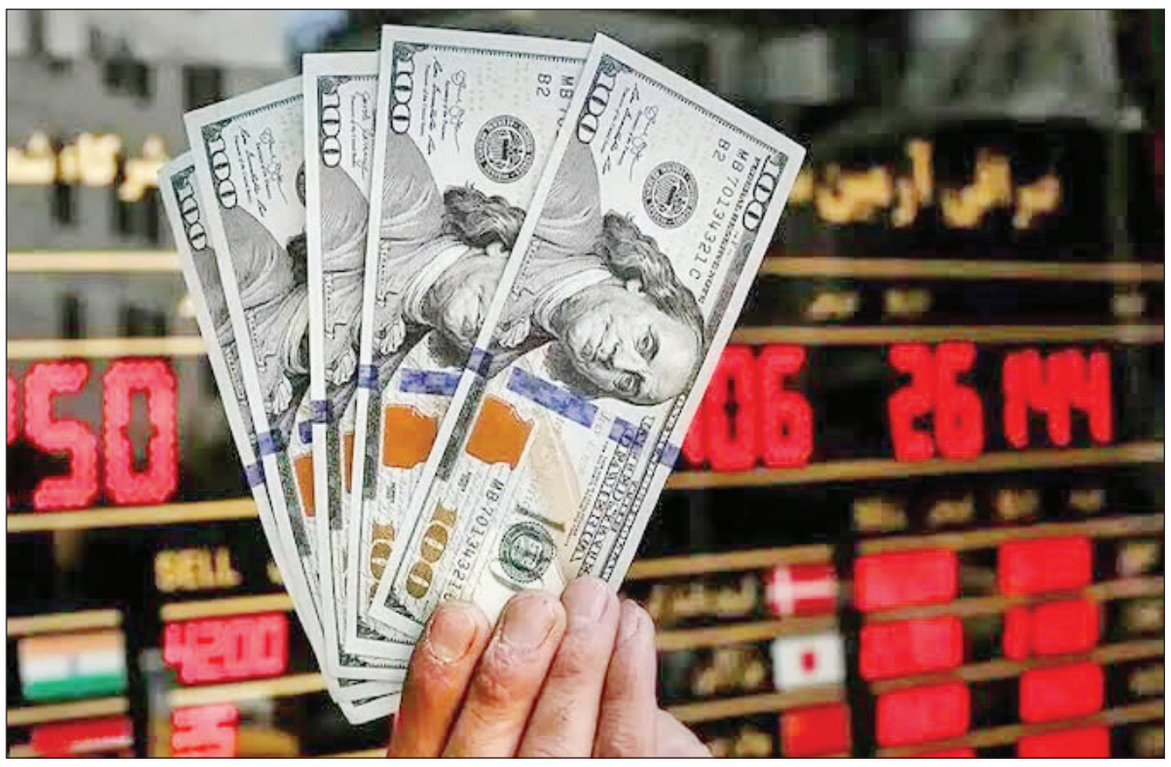

تعادل | در شرایطی که محدودیت منابع ارزی، تحریم‌های مالی و افزایش نیازهای وارداتی، مدیریت جریان ارز در اقتصاد ایران را با چالش مواجه کرده است، بازگشت ارز حاصل از صادرات به یکی از موضوعات مهم سیاستگذاری اقتصادی تبدیل شده است. اهمیت این مساله تنها به افزایش منابع ارزی کشور محدود نمی‌شود، بلکه نحوه بازگشت، عرضه و تخصیص این منابع نیز بر ثبات بازار ارز، تأمین کالاهای اساسی و استمرار فعالیت واحدهای تولیدی تأثیرگذار است.

چرا برگشت ارزهای صادراتی مهم است؟

براساس آمارهای مطرح‌شده، از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون حدود ۲۱ تا ۲۳ میلیارد دلار از ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور بازنگشته است. از این میزان، حدود ۱۳ میلیارد دلار شناسایی شده و امکان پیگیری و تعیین تکلیف آن وجود دارد. این ارقام در کنار تأمین حدود ۳۱ میلیارد دلار ارز برای واردات طی هفت ماه و نیم نخست سال، نشان‌دهنده اهمیت مدیریت منابع ارزی موجود و ضرورت تسهیل بازگشت ارزهای صادراتی است.

بخشی از ارزهای صادراتی که خارج از چرخه رسمی باقی می‌مانند، می‌توانند محدودیت سیاستگذار برای پاسخگویی به تقاضای وارداتی را افزایش بدهند. این موضوع در اقتصادی که برای تأمین مواد اولیه، ماشین‌آلات، قطعات صنعتی، دارو و کالاهای اساسی به جریان مستمر ارز وابسته است، تنها یک مساله پولی نیست و می‌تواند بر تولید، هزینه تمام‌شده کالاها و امنیت تأمین نیازهای ضروری کشور اثر بگذارد.

اهمیت بازگشت ارز صادراتی را نمی‌توان صرفا به افزایش عرضه ارز و کنترل نوسانات بازار محدود کرد. این منابع زمانی بیشترین کارایی را دارند که به چرخه واردات و تولید بازگردند و نیاز ارزی بنگاه‌های اقتصادی را پوشش بدهند. در این چارچوب، بازگشت ۱۳ میلیارد دلار ارز شناسایی‌شده می‌تواند ظرفیت قابل توجهی برای تقویت منابع در دسترس بانک مرکزی ایجاد کند و بخشی از فشار موجود بر فرآیند تأمین ارز واردات را کاهش بدهد. محدودیت دسترسی واردکنندگان به ارز، پیامدهایی فراتر از تأخیر در معاملات تجاری دارد. بنگاه‌هایی که برای ادامه فعالیت به مواد اولیه و قطعات وارداتی وابسته‌اند، در صورت طولانی شدن فرآیند تأمین ارز ممکن است با کاهش موجودی انبار، افزایش هزینه تولید و اختلال در برنامه‌ریزی مواجه شوند. بنابراین، بازگشت ارز صادراتی می‌تواند به استمرار فعالیت واحدهای تولیدی و جلوگیری از اختلال در زنجیره تأمین کمک کند.

در بازار ارز نیز افزایش عرضه منابع در مسیرهای رسمی می‌تواند بخشی از فشار تقاضا را کاهش بدهد. با این حال، بازگشت ارزهای صادراتی به‌تنهایی تضمین‌کننده کاهش پایدار نرخ ارز نیست؛ زیرا نرخ ارز علاوه بر میزان عرضه، از انتظارات تورمی، تقاضای سرمایه‌ای، سیاست‌های پولی و مالی، درآمدهای نفتی و تحولات سیاسی و بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد. از این رو، بازگشت ارز صادراتی را باید یکی از پیش‌شرط‌های تقویت توان سیاستگذار برای مدیریت بازار دانست، نه راهکاری مستقل برای مهار نرخ ارز.

چالش اجرای سیاست بازگشت ارز چیست؟

یکی از چالش‌های اجرای سیاست بازگشت ارز، تفاوت شرایط صادرکنندگان از نظر اندازه فعالیت، نوع محصول و دسترسی به شبکه‌های مالی بین‌المللی است. صادرکنندگان خرد که با محدودیت‌های عملیاتی و هزینه‌های بالای نقل‌وانتقال پول روبه‌رو هستند، شرایطی متفاوت از شرکت‌های بزرگ با حجم قابل توجه صادرات دارند. بنابراین، اعمال الزامات یکسان برای همه صادرکنندگان لزوما به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود.

افزایش محدودیت‌ها بدون توجه به واقعیت‌های تجارت خارجی ممکن است انگیزه فعالیت در مسیرهای رسمی را کاهش بدهد و صادرکنندگان را به استفاده از روش‌های جایگزین و کم‌شفاف‌تر سوق بدهد. به همین دلیل، موفقیت سیاست بازگشت ارز علاوه بر نظارت و پیگیری تعهدات، به ایجاد انگیزه اقتصادی نیز وابسته است.

در همین راستا، بانک مرکزی در ماه‌های اخیر بخشی از سازوکارهای بازگشت ارز را اصلاح کرده است. فراهم شدن امکان فروش ارز حاصل از صادرات با نرخ توافقی برای برخی گروه‌های صادرکنندگان خرد، از جمله این اقدامات است. بر اساس سیاست اعلام‌شده، از اواخر مرداد ماه امکان عرضه اسکناس ارز صادراتی این گروه در بازار ارز تجاری مرکز مبادله فراهم شده تا صادرکنندگان بتوانند با نرخ توافقی ارز خود را عرضه و تعهدات ارزی‌شان را تعیین تکلیف کنند. این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که سیاستگذار در کنار ابزارهای نظارتی، به انگیزه‌های اقتصادی صادرکنندگان نیز توجه کرده است. هرچه فاصله میان نرخ مورد انتظار صادرکننده و نرخ قابل دریافت در بازار رسمی کمتر باشد، احتمال عرضه ارز در مسیرهای قانونی افزایش می‌یابد. البته تسهیل شرایط برای صادرکنندگان خرد نباید به معنای کاهش نظارت بر تعهدات ارزی شرکت‌های بزرگ باشد. هدف باید طراحی سازوکاری متناسب با شرایط گروه‌های مختلف باشد؛ به گونه‌ای که ضمن توجه به محدودیت‌های عملیاتی فعالان کوچک، امکان پیگیری موثر تعهدات صادرکنندگان بزرگ نیز فراهم شود.

تغییر تخصیص ۳۱ میلیارد دلار

در کنار بازگشت ارز صادراتی، نحوه توزیع منابع ارزی موجود نیز اهمیت زیادی دارد. بر اساس اعلام بانک مرکزی، از ابتدای سال تا حدود نیمه آبان‌ماه نزدیک به ۳۱ میلیارد دلار ارز برای واردات تأمین شده. این میزان معادل میانگین روزانه حدود ۱۹۷ میلیون دلار است.

عبدالناصر همتی، رییس کل بانک مرکزی اعلام کرده میانگین روزانه تأمین ارز در مدت مشابه سال گذشته حدود ۲۲۰ میلیون دلار بوده و اکنون به ۱۹۷ میلیون دلار رسیده است. همچنین میزان کل تأمین ارز در ۷ ماه و نیم نخست سال حدود ۱۳ درصد کاهش داشته است.

بررسی جزییات تخصیص ارز نشان می‌دهد که سیاستگذار تلاش کرده محدودیت منابع را از طریق تغییر اولویت‌های وارداتی مدیریت کند. به گفته رییس کل بانک مرکزی، تا ۲۲ آبان‌ماه تأمین ارز بخش بهداشت و درمان نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته و بخش جهاد کشاورزی نیز رشد یک درصدی داشته است. در مقابل، تأمین ارز بخش صنعت با کاهش ۲۸ درصدی مواجه شده است.

همتی در توضیح این وضعیت تأکید کرده است که بخش عمده کاهش تأمین ارز صنعت به کالاهای غیرضروری و لوکس مربوط می‌شود و مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی و کالاهای اساسی را شامل نمی‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که در شرایط محدودیت منابع، سیاستگذار تلاش دارد سهم بیشتری از ارز موجود را به نیازهای ضروری اختصاص بدهد.

تأمین دارو، تجهیزات پزشکی، کالاهای اساسی و نهاده‌های مورد نیاز بخش کشاورزی برای حفظ امنیت غذایی و سلامت عمومی ضروری است. با این حال، کاهش تأمین ارز صنعت نیز باید با دقت بررسی شود؛ زیرا محدودیت واردات کالاهای واسطه‌ای، قطعات و تجهیزات مورد نیاز می‌تواند در میان‌مدت بر ظرفیت تولید داخلی اثر بگذارد. بنابراین، اولویت‌بندی واردات زمانی موفق خواهد بود که میان کالاهای لوکس و غیرضروری و مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز صنایع تفاوت روشنی وجود داشته باشد. در غیر این صورت، صرفه‌جویی ارزی کوتاه‌مدت ممکن است در آینده به افزایش هزینه تولید و کاهش عرضه داخلی منجر شود.

طولانی بودن فرآیند تأمین ارز

محدودیت منابع ارزی تنها مانع پیش روی واردکنندگان نیست. سرعت دسترسی به منابع و زمان مورد نیاز برای تکمیل فرآیندهای اداری و اجرایی نیز اهمیت زیادی دارد. تحریم‌های بانکی و مالی، محدودیت نقل‌وانتقال بین‌المللی پول و افزایش هزینه مبادلات خارجی، فرآیند تأمین ارز را پیچیده کرده است.

یکی از شاخص‌های مهم در این زمینه، فاصله زمانی میان تخصیص و تأمین ارز است. بانک مرکزی پیش‌تر از کاهش این فاصله و رسیدن آن به حداکثر دو هفته خبر داده بود؛ در حالی که این فرآیند در گذشته در برخی موارد تا شش ماه یا بیشتر طول می‌کشید. کاهش زمان انتظار برای دریافت ارز می‌تواند به اندازه افزایش منابع ارزی اهمیت داشته باشد. تأخیر چندماهه در تأمین ارز ممکن است موجب از دست رفتن فرصت خرید، افزایش هزینه حمل‌ونقل یا توقف بخشی از فعالیت تولیدی شود. به همین دلیل، اصلاح فرآیندهای تخصیص و تأمین ارز باید در کنار سیاست‌های افزایش عرضه مورد توجه قرار بگیرد.

در همین چارچوب، تمدید تخصیص‌های ارزی منقضی‌شده، مساعدت در مهلت بازگشت ارز صادراتی و تسویه تعهدات ارزی واردکنندگان نیز در دستور کار قرار گرفته است. همچنین برنامه اعلام‌شده برای تأمین ۲۰ میلیارد دلار ارز در نیمه دوم سال، بیانگر تلاش بانک مرکزی برای حفظ جریان واردات است. تحقق این هدف، علاوه بر برنامه‌ریزی داخلی، به میزان دسترسی به منابع ارزی، امکان انتقال پول و بازگشت ارز حاصل از صادرات وابسته خواهد بود.

پیشنهاد بخش خصوصی چیست؟

در کنار اقدامات بانک مرکزی، پیشنهادهای بخش خصوصی نیز می‌تواند زمینه استفاده موثرتر از منابع صادراتی را فراهم کند. یکی از پیشنهادهای مطرح‌شده، استفاده از ارز حاصل از صادرات برای واردات مستقیم یا غیرمستقیم کالاهای اساسی است؛ رویکردی که هم به رفع تعهدارزی صادرکنندگان کمک می‌کند و هم بخشی از نیاز وارداتی کشور را پوشش می‌دهد.

مهرداد سعادت، رییس اتاق مشترک ایران و ترکیه با اشاره به این پیشنهاد بر ضرورت طراحی سازوکاری مشخص در سامانه جامع تجارت تأکید کرده است. این طرح در نشست روسای اتاق‌های سه‌گانه کشور مطرح شده و مورد حمایت اتاق‌های اصناف و تعاون نیز قرار گرفته است.

بر اساس این پیشنهاد، صادرکنندگان بتوانند از محل ارز حاصل از صادرات خود، کالاهای اساسی وارد کنند و ارزش واردات انجام‌شده به عنوان بخشی از تعهدارزی آنها پذیرفته شود. مزیت این روش آن است که به جای انتقال اجباری تمام منابع از یک مسیر مشخص، امکان استفاده از ارز صادراتی در زنجیره واقعی تجارت فراهم می‌شود.

با این حال، همه صادرکنندگان توانایی یا تخصص لازم برای واردات کالاهای اساسی را ندارند. برای مثال، تولیدکننده محصولات پتروشیمی لزوماً زیرساخت و تجربه واردات نهاده‌های دامی یا روغن خوراکی را در اختیار ندارد. به همین دلیل، پیشنهاد شده است امکان واگذاری پروانه‌های صادراتی به واردکنندگان متخصص از طریق سامانه جامع تجارت فراهم شود.

این سازوکار می‌تواند میان صادرکنندگانی که منابع ارزی در اختیار دارند و واردکنندگانی که تخصص و زیرساخت لازم برای تأمین کالاهای ضروری را دارند، ارتباط برقرار کند. در این صورت، صادرکننده می‌تواند از طریق واردات یا واگذاری ظرفیت صادراتی، تعهدارزی خود را تعیین تکلیف کند و واردکننده نیز به منبع تأمین ارز مورد نیاز دسترسی پیدا کند.

البته اجرای این پیشنهاد به نظارت دقیق نیاز دارد. شفافیت در قیمت‌گذاری، نظارت بر انتقال تعهدات و جلوگیری از شکل‌گیری بازارهای غیررسمی برای مبادله پروانه‌های صادراتی از جمله الزامات آن است.

سعادت همچنین بر ضرورت حرکت از سیاست‌های صرفا محدودکننده به سمت مشوق‌های صادراتی تأکید کرده است. از جمله پیشنهادهای مطرح‌شده، اختصاص امتیاز به صادرکنندگانی است که طی یک سال میزان صادرات خود را دوبرابر می‌کنند یا برای توسعه صادرات به بازارهای هدف، از جمله ترکیه، فعالیت بیشتری انجام می‌دهند.

چنین مشوق‌هایی در صورتی موثر خواهند بود که به افزایش واقعی صادرات و بازگشت منابع ارزی منجر شوند. بنابراین، معافیت‌ها و امتیازهای صادراتی باید بر اساس معیارهای مشخص و عملکرد واقعی صادرکنندگان طراحی شوند تا ضمن حمایت از توسعه تجارت خارجی، شفافیت نظام تعهدات ارزی نیز حفظ شود.

ثبات ارزی در گروی چیست؟

مجموع آمارها و تحولات مطرح‌شده نشان می‌دهد که بازگشت ارز صادراتی را نمی‌توان جدا از سایر اجزای سیاست اقتصادی بررسی کرد. از یک سو، حدود ۱۳ میلیارد دلار ارز شناسایی‌شده که به چرخه اقتصادی بازنگشته، ظرفیت بالقوه‌ای برای تقویت عرضه ارز محسوب می‌شود و از سوی دیگر، تأمین ۳۱ میلیارد دلار ارز برای واردات نشان‌دهنده حجم بالای نیازهای ارزی کشور است.

در چنین شرایطی، افزایش بازگشت ارز صادراتی می‌تواند بخشی از محدودیت منابع را کاهش بدهد؛ اما نحوه استفاده از این منابع به همان اندازه اهمیت دارد. اگر ارز بازگشتی به شکل هدفمند در اختیار بخش‌های اولویت‌دار قرار بگیرد، می‌تواند به تأمین کالاهای اساسی، حفظ جریان واردات مواد اولیه و استمرار فعالیت صنایع کمک کند.

نکته مهم دیگر، ضرورت بازنگری در رابطه میان صادرکننده و سیاستگذار ارزی است. صادرکننده نباید صرفا به عنوان دارنده تعهدارزی و موضوع نظارت شناخته شود، بلکه باید به عنوان یکی از بازیگران اصلی تأمین منابع ارزی کشور مورد توجه قرار بگیرد. چنین رویکردی مستلزم فراهم کردن مسیرهای متنوع، شفاف و اقتصادی برای ایفای تعهدات ارزی در کنار نظارت موثر است.

از سوی دیگر، بانک مرکزی باید میان تأمین نیازهای ضروری و حفظ جریان واردات بخش تولید تعادل برقرار کند. محدود کردن واردات کالاهای لوکس و غیرضروری می‌تواند به مدیریت منابع کمک کند، اما این سیاست نباید دسترسی صنایع به مواد اولیه، قطعات و تجهیزات مورد نیاز را مختل کند.

در نهایت، بازگشت ارزهای صادراتی زمانی می‌تواند به ابزاری موثر برای مدیریت بازار ارز تبدیل شود که از یک الزام صرفاً نظارتی فراتر برود و در خدمت نیازهای واقعی اقتصاد قرار گیرد. کاهش فاصله نرخ‌های رسمی و غیررسمی، تسهیل نقل‌وانتقال پول، اصلاح فرآیندهای رفع تعهدارزی، ایجاد مشوق‌های هدفمند برای صادرکنندگان و فراهم کردن امکان استفاده از ارز صادراتی برای واردات کالاهای اساسی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند اثر بخشی این سیاست را افزایش بدهند.

آنچه اهمیت دارد، حرکت از مدیریت دستوری منابع به سمت مدیریت اقتصادی و هدفمند آنهاست. در چنین چارچوبی، بازگشت ارز تنها به معنای افزایش عرضه در بازار نیست، بلکه می‌تواند پیوند میان صادرات، واردات و تولید را تقویت کند؛ پیوندی که در شرایط محدودیت ارزی، نقش مهمی در حفظ ثبات اقتصادی، تأمین نیازهای ضروری و استمرار فعالیت‌های تجاری کشور خواهد داشت.

رویداد

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد

افت تولید در ۵ بخش صنعت نساجی

گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت صنعت نساجی و پوشاک کشور، از کاهش تولید پنج محصول کلیدی این زنجیره در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ حکایت دارد؛ به‌طوری که تولید الیاف با افت ۲۱ درصدی، پارچه با کاهش ۱۵ درصدی و پوشاک با افت ۷.۵ درصدی مواجه شده است. به گزارش ایسنا، براساس گزارش جدید مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره ساختار تعرفه‌ای صنعت نساجی و پوشاک، تولید چند محصول اصلی این زنجیره در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل‌تر (۱۴۰۳) کاهش یافته و افت تولید الیاف، نخ، پارچه و پوشاک در حالی ثبت شده که این صنعت سهم قابل توجهی در اشتغال صنعتی کشور دارد. صنایع نساجی و پوشاک از صنایع گسترده و متنوع کشور به‌شمار می‌روند و ۸ درصد از کارگاه‌های صنعتی و ۷ درصد از شاغلان صنعتی را در بر می‌گیرند که در ادامه میزان تولید محصولات این زنجیره را در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ می‌خوانیم: بر اساس این جدول، تولید الیاف که در سال ۱۳۹۷ حدود ۳۲۲ هزار تن بود، در سال ۱۴۰۳ به ۲۹۹ هزار تن و در سال ۱۴۰۴ به ۲۳۶ هزار تن رسیده و تولید نخ نیز از ۷۴۰ هزار تن در سال ۱۳۹۷ به ۷۷۶ هزار تن در سال ۱۴۰۳ افزایش یافت، اما در سال ۱۴۰۴ به ۷۶۴ هزار تن عقب‌نشینی کرد. در تولید پارچه آمار ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۳۹۷ به ۵۵۵ هزار تن در سال ۱۴۰۳ و ۴۷۰ هزار تن در سال ۱۴۰۴ را شاهد هستیم. در طرف دیگر، تولید پوشاک نیز که در سال ۱۳۹۷ سهم ۳۲۰ هزار تنی داشت، پس از ثبت ۴۰۰ هزار تن در سال ۱۴۰۳ به ۳۷۰ هزار تن در سال ۱۴۰۴ کاهش یافت. در همین حال، تولید کف‌پوش شامل فرش ماشینی و موکت از ۲۲۰ میلیون مترمربع در سال ۱۳۹۷ به ۲۴۹ میلیون مترمربع در سال ۱۴۰۳ و ۲۳۴ میلیون متر مربع در سال ۱۴۰۴، ثبت شده است. بر این اساس، مقایسه آمار سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد تولید الیاف حدود ۲۱ درصد، پارچه ۱۵ درصد، پوشاک ۷.۵ درصد و کف‌پوش ۶ درصد کاهش داشته و تولید نخ نیز در همین دوره حدود ۱.۵ درصد افت کرده است. در این گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، کاهش تولید در بخش‌هایی از زنجیره نساجی و پوشاک در کنار روند افزایش تولید در برخی سال‌های گذشته بررسی شده و بر ضرورت توجه به عوامل موثر بر وضعیت تولید تاکید دارد و در این چارچوب، به‌روزرسانی ماشین‌آلات، نوسازی تجهیزات و ارتقای فناوری تولید از جمله موضوعاتی است که در سیاستگذاری این صنعت اهمیت دارد.

خبر کوتاه

قیمت ماکارونی به ۹۰ هزار تومان برگشت

محمدرضا عارف دستور داد حداکثر قیمت هر بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی ۹۰ هزار تومان باشد. بر همین اساس، تولیدکنندگانی که پیش‌تر اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کرده‌اند، باید نرخ‌های اعلام‌شده را اصلاح کرده و قیمت‌ها را کاهش بدهند. در پی افزایش قابل توجه قیمت ماکارونی و عرضه برخی محصولات با نرخ‌های جدید در بازار، با دستور محمدرضا عارف، معاون اول رییس جمهور قیمت این محصول تعدیل شد. بر اساس تصمیم اتخاذشده در ستاد تنظیم بازار، حداکثر قیمت هر بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی ۹۰ هزار تومان تعیین شده و تولیدکنندگان موظفند قیمت‌های افزایش یافته را اصلاح کنند. پیش از برگزاری جلسه ستاد تنظیم بازار به ریاست محمدرضا عارف، برخی تولیدکنندگان قیمت ماکارونی را تا ۱۵۰ هزار تومان افزایش داده بودند. این افزایش قیمت به حدی بود که نرخ‌های جدید حتی روی بسته‌بندی محصولات درج شده و برخی از این کالاها با قیمت‌های تازه وارد بازار شده بودند. با این حال، عارف در جایگاه رییس ستاد تنظیم بازار دستور داد حداکثر قیمت هر بسته ۷۰۰ گرمی ماکارونی ۹۰ هزار تومان باشد. بر همین اساس، تولیدکنندگانی که پیش‌تر اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کرده‌اند، باید نرخ‌های اعلام‌شده را اصلاح کرده و قیمت‌ها را کاهش بدهند. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شده است که افزایش قیمت ماکارونی طی روزهای اخیر، با توجه به مصرف گسترده این محصول در سبد غذایی خانوارها، نگرانی‌هایی را درباره افزایش هزینه‌های معیشتی و فشار بیشتر بر قدرت خرید مردم ایجاد کرده بود.

دبیر انجمن تولیدکنندگان صنعت لوازم خانگی:

کرایه حمل ۶ برابر و مواد اولیه تا ۳۷۰ درصد گران شد

دبیر انجمن تولیدکنندگان صنعت لوازم خانگی از افزایش بیش از ۶ برابری هزینه حمل کانتینری مواد اولیه نسبت به پیش از جنگ و رشد ۳۷۰ درصدی قیمت مواد اولیه پلیمری داخلی در بازار آزاد خبر داد و گفت: جهش هزینه حمل‌ونقل و مواد اولیه، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است.

نسرین اوجاقی در گفت‌وگو با ایسنا، با مروری بر کارنامه تولید صنعت لوازم خانگی و آخرین وضعیت تولید اظهار کرد: سال ۱۴۰۳ طلایی‌ترین سال تولید لوازم خانگی در کشور بود؛ در آن سال تولید به حدود ۲۰ میلیون قطعه رسید، اما در سال ۱۴۰۴ به دلیل وقوع دو جنگ، میزان تولید کاهش یافت و به ۱۸ میلیون قطعه کاهش یافت و در ابتدای سال ۱۴۰۵ نیز شرایط جنگی و محاصره اقتصادی همچنان حاکم بود و یافتن مسیرهای جدید تامین کالا نیز زمانبر است.

وی افزود: متعاقب این مساله و شرایط ایجاد شده، در فروردین‌ماه ۱۴۰۵ افت ۵۰ درصدی تولید را نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۴ شاهد بودیم؛ با این حال با تلاش تولیدکنندگان، این افت ۵۰ درصدی تا پایان تابستان و شهریورماه به منفی ۸ درصد تقلیل پیدا کرد.

دبیر انجمن صنایع لوازم خانگی ایران با اشاره به چالش‌های لجستیک دریایی و دشواری‌های شدید انتقال مواد اولیه تصریح کرد: اختلال در حمل‌ونقل دریایی مانع از تأمین کامل و به‌موقع برخی از مواد اولیه و قطعات شده که در نتیجه واحدهای تولیدی با درصدی کمتر از ظرفیت اسمی خود فعالیت می‌کنند.

اوجاقی با تأکید بر سهم ۷۰ تا ۸۰ درصدی مواد اولیه در بهای تمام‌شده لوازم خانگی، جهش قیمت نهاده‌ها در بورس کالا و بازار آزاد را طی بازه اسفند ۱۴۰۴ تا آبان‌ماه سال جاری چشمگیر خواند و افزود: در بخش مواد پلیمری و پتروشیمی، ماده ABS در بورس کالا ۲۸۱ درصد و در بازار آزاد ۳۷۰ درصد افزایش قیمت داشته و پلی‌پروپیلن (PP) نیز در بورس کالا با افزایش ۱۸۲ درصدی قیمت روبرو است و در بخش مقاطع فلزی نیز ورق رنگی ۱۵۷ تا ۱۵۸ درصد، ورق روغنی ۱۷۵ درصد و استیل ۳۰۴ درصد گران شده است.

وی ادامه داد: علاوه بر جهش قیمت‌های داخلی، بخشی از مواد اولیه مانند ABS وارداتی است که در بازارهای جهانی نیز از ژانویه تا ماه مه ۲۰۲۶ میلادی رشدی بالغ بر ۹۷ درصد (و در برخی اقلام ۸۸ درصد) را ثبت کردند که همین موضوع نیز در کنار تورم مواد اولیه داخلی به تشدید مساله دامن زده است.

دبیر انجمن صنایع لوازم خانگی گفت: متاسفانه در بخش لجستیک و حمل و نقل بین‌المللی نیز وضعیت خوبی را شاهد نیستیم؛ هزینه ترانزیت دریایی نسبت به دوران پیش از جنگ به شکل غیرقابل باوری افزایش یافته، به‌طوری که هزینه حمل کانتینرهای ۲۰ فوتی با جهش ۵۲۰ درصدی روبرو و از ۱۰۰۰ تا ۲۲۰ دلار به ۶۲۰۰ تا ۹۳۰۰ دلار جهش و حتی برای برخی محموله‌ها نیز تا ۲۱ هزار دلار فاکتور می‌شوند و در کنار این مسائل باید به هزینه بیمه محموله‌ها نیز اشاره داشت که بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد رشد داشته است.

اوجاقی در پایان درباره مطالبات این صنعت از وزارت صمت و راهکارهای برون‌رفت از بحران فعلی خاطرنشان کرد: پس از ۴ گروهی شدن کدهای تعرفه واردات، مواد اولیه لوازم خانگی در تالارهای معمول ارزی عرضه نمی‌شود و حتی برخی از کدهای تعرفه در گروه صفر قرار گرفته و عملا نادیده انگاشته شده‌اند؛ در حالی که فقدان حتی یک قطعه در زنجیره تولید، کل فرآیند ساخت محصول نهایی را متوقف می‌سازد. از این رو بزرگ‌ترین درخواست ما از متولیان این است که با توجه به احراز اهلیت تولیدکنندگان و وجود پروانه‌های بهره‌برداری، اجازه واردات مواد اولیه و قطعات از محل ارز حاصل از صادرات خود واحدها یا ارز سپرده داده شود و وزارت صمت فرآیند ثبت‌سفارش این اقلام را در گمرک براکراسی بهینه‌سازی نکند تا خطوط تولید کشور دچار خواب و تعطیلی نشوند.

سامانه پیامکی روزنامه تعادل
۳۰۰۰۵۳۲۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر پرونده شماره ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۷۰۰۵۰۰۰۵۰۸ و رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۷۰۰۵۰۰۹۳۳۲ مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت